

# دستاوردها و خلاءهای حکومت رئیس جمهور غنی

رحیم حمیدی



همین خاطر، وضعیت امنیتی هر روز بدتر می شود. گروه طالبان قلمروی جنگ را گسترش می دهد. رئیس جمهور غنی در سخنرانی خود در ششم تیر سال جاری اظهار نمود که بخش از گروه طالبان همانند شبکه حنفی دشمن ماست. این تقسیم بندی به خوبی نشان می دهد که او حاضر به سرکوب گروه طالبان نمی باشد. دلیل این کار تا هنوز مشخص نیست. ممکن نگاه قومی و قبیله‌ای غنی مانع می شود و یا چشم امید او به سیاست صلح به هر صورت، مشکل امنیتی ناشی از دو مسئله فقدان استراتژی و اراده سیاسی برای سرکوب گروه طالبان می باشد.

چهارم: در بخش اصلاحات و مبارزه با فساد رئیس جمهور دستاوردهای داشته است. برخی افراد را از کمیسیون اصلاحات اداری برطرف نمود و به جای آن یک فرد تحصیل کرده را آورد. کمیته تدارکات ملی را ایجاد نمود و بسیاری از قراردادها را مورد بررسی قرار داد و از فساد در قرارداد وزارت دفاع، داخله و ... جلوگیری نمود. اما، رئیس جمهور نگاه قومی به مبارزه با فساد دارد. شدیدا این فکر بر رئیس جمهور غالب است که تنها افرادی از قوم پشتون و غلزایی پاک است. تا هنوز دیده نشده است که او فردی از دیگر گروه‌های قومی را در یک پست مهم بگمارد. این نوع نگاه او مشکل ساز است. بسا این حال، دستاوردهای غنی در این عرصه قابل چشم پوشی نیست.

بنابراین، ریشه نارضایتی رهبران و سران جهادی و قومی به حکومت حامد کرزی می رسد. خلاء های کار غنسی در نوع نگاه او به پدیده مبارزه با فساد، فقدان سیاست اقتصادی با نتایج کوتاه مدت و استراتژی جنگی و فقدان اراده سیاسی برای سرکوب گروه طالبان می باشد. با این حال، غنی شایستگی و لیاقت حکومت کردن را دارد. اگر مسا به خاطر نارضایتی سران جهادی و قومی او را متهم نماییم کار ناکوآب نموده‌ایم. ما به فردی نیاز داریم که دست سران جهادی و قومی را از دست درازی به حکومت کوتاه نماید.

افغانستان به کشور ترازینی دو نمونه ای است که نتیجه دراز مدت دارد. البته زود است از موفقیت طرح‌ها و برنامه های اقتصادی رئیس جمهور سخن به میان آوریم. ولی چنین به نظر می رسد که طرح‌های او در دراز مدت جواب می دهد. بنابراین، خلاء سیاست‌ها و برنامه‌های که نتیجه آتی داشته باشد در حکومت وحدت ملی خالی است. از این جهت، حل بحران‌ها یا حداقل کاهش نارضایتی مردم از حکومت نیازمند چنین برنامه و سیاستی است که در کوتاه مدت پاسخگویی نیازمندی مردم باشد. سوم: در بخش امنیت جدا از اینکه استراتژی وجود ندارد اراده کافی برای سرکوب و منکوب نمودن طالبان نیز دیده نمی شود. عبدالرشید دوستم، معاون اول ریاست جمهوری بارها گفته است که طرح سرکوب طالبان را به شورای امنیت ملی ارائه نمودم اما، طرح رد شد. این نشان می دهد که حکومت اشراف غنی همانند حکومت حامد کرزی اراده‌ای برای سرکوب گروه طالبان را ندارد. به

است. نارضایتی کنونی تا حدی ریشه در همین مسئله دارد. زمانی که عبدالله عبدالله، رئیس اجراییه از غنسی انتقاد نمود رهبران جهادی و سران قومی از او اعلان حمایت نمود. او با رهبران زبانی جهادی دیدن نمود و برنامه های خود را با آن‌ها شریک نمود. این نشان می دهد که مخالف رئیس جمهور سران و رهبران قومی و جهادی است. بنابراین، توزیع پول و امکانات حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین کشور میان رهبران جهادی و سران قومی باعث شده است که اکنون این رهبران و سران قومی همان انتظار را از غنی داشته باشد. غنی وقتی پاسخ به انتظار بی‌جایی آن‌ها نمی دهد صدای اعتراض را بلند نموده است. دوم: رئیس جمهور غنی طرح‌ها و برنامه‌های خوبی در عرصه اقتصادی ارائه نموده است. اما، برنامه‌ها و سیاست‌های او در کوتاه مدت منجر به بهبود وضعیت نمی شود بلکه در دراز مدت نتیجه می دهد. به طور نمونه سدسازی، تبدیل

ناکارآمدی حکومت قبلی است. رئیس جمهور کرزی به جای توجه به زیرساخت‌ها و زیربناها بیشتر تلاش را نمود تا رهبران جهادی و سران قومی را از خود راضی نگه ندارد و نگذارد تا نارضایتی خود را به وخیم شدن کشور گردد. این روش سیاست حامد کرزی بود. در سال گذشته، غنی اگر چه موفق نشده است که شغل ایجاد نماید و شهروندان کشور را صاحب شغل نماید اما، تلاش‌های بله منظور جلب کمک‌ها و حمایت بین المللی انجام داده است. او موفق به حفظ نیروهای باقی بین المللی در افغانستان شده است. در عین حال، کشورهای عضو ناتو و کشورهای شریک ناتو متعهد به حمایت افغانستان شده است. در ۱۵ سال گذشته که میلیارد‌ها دلار به افغانستان آمد اما، هیچ کار زیربنایی صورت نگرفت. فقدان زیربنا در بخش اقتصادی، زراعت باعث شد که اقتصاد کشور آسیب پذیر باقی بماند. آسیب‌های او در عرصه اقتصادی و در بسیاری از بخش‌های دیگر شاهدیم ناشی از

## اهمیت و نقش فرهنگ در زندگی انسان و جامعه

قسمت دوم و پایانی



شایسته در برابر هجوم دشمنان است. اما مهم ترین نکته نظریات کارکرد گرایان ساختاری تأکید بر نظام فرهنگی مشترک جامعه است که می بایست در جامعه وجود داشته باشد. نظامی که برآیند نظام مشترک ارزشی افراد آن جامعه است. مردم یک جامعه می بایست به یک شیوه بنگردند تا با این وسیله به درجه ای بالایی از صحت نائل گردند و پیش بینی کنند که دیگران چگونه فکر و یا عمل خواهند کرد. به عبارت دیگر یک جامعه از این نقطه نظر تنها زمانی استوار است که کنش گران با جهت گیری های مشترک عمل کنند. زیرا یک چنین جهت گیری مشترک به انسان‌ها اجازه می دهد که با آن چیزهایی که نمی توانند نظارت یا پیش بینی کنند. (۱۱) نیز به شیوه های همسان برخورد کنند. (وحدت رویه) زیرا این اشتراک به حضور و پابندی آنها به ارزش‌ها در موقعیتهای اجتماعی مختلف منجر می گردد. این نظام فرهنگی مشترک هدف های مشترک را وضوح بیشتری می بخشد و از سویی دیگر روش‌های آن جامعه را برای دستیابی و حتی نوع وسایل دستیابی به این اهداف مشترک را مشخص می سازد. و طبق آن نظام هنجاری متفق کارکرد دستیابی را به عهده می گیرد. بدون تنظیم این وسایل کسب اهداف و نظام هنجاری بخش جامعه دچار هرج و مرج، بی هنجاری، تضاد و بی تفاوتی می شود.

بنابراین می توان چهار تکلیف اساسی هر نظام را چنین برشمرد که بقای هر جامعه در گرو آنها خواهد بود. ۱- تطبیق: هماهنگ ساختن خود با موقعیت و محیط و نیز هماهنگ ساختن محیط با نیازهای خود. ۲- دستیابی به اهداف مورد نظر: هر نظام به دنبال اهدافی است که کسب آنها سبب افزایش اعتماد مردم و تصویرگر آینده بهتر خواهد بود. ۳- یکپارچه گی و وحدت: هر نظام می بایست گونه ای عمل نماید که روابط متقابل افراد با یکدیگر و اجزای سازنده ی آن را تنظیم نماید. ۴- نگهداشت الگو: یعنی هر نظام می باید با ایجاد یک الگوی فرهنگی مشترک انگیزه ها، هنجارها و ارزش‌های افراد را جهت دهد و یا آفریننده و نگهدارنده ارزش‌های ایجاد شده و مقبول افراد باشد. منبع: کتاب طرح تحقیقاتی شهر اسوه

و مبادلات پولی و نظام قانونی دچار تحول و تکامل می یابد. اما جوامع صنعتی که در طرح پارسونز در بالاترین نقطه قرار می گیرد وی معتقد است که در چنین جوامعی نظام های اقتصادی و مذهبی کاملا از یکدیگر جدا شده و هر دو از نظام حقوقی و نظام سیاسی متمایز گردیده اند. این جوامع از طریق ارزش قائل شدن به نهادهای اجتماعی و گسترش صنعت بقای برتری خود را تضمین و تأمین کرده اند. کارل مارکس نیز در تبیین نظریات خود از دگرگونیهای اجتماعی به یک نوع با نظریه های تکاملی اشتراک دارد. (۸) زیرا هر دو آنها عمده ی دگرگونیهای اجتماعی را ناشی از کنش های متقابل با محیط مادی می دانند، مارکس معتقد است که جوامع بر مبنای یک زیرساخت اقتصادی استوار هستند که تغییر در آنها منجر به تغییراتی در روساختها (نهادهای سیاسی، فرهنگی، حقوقی و ...) می شود.

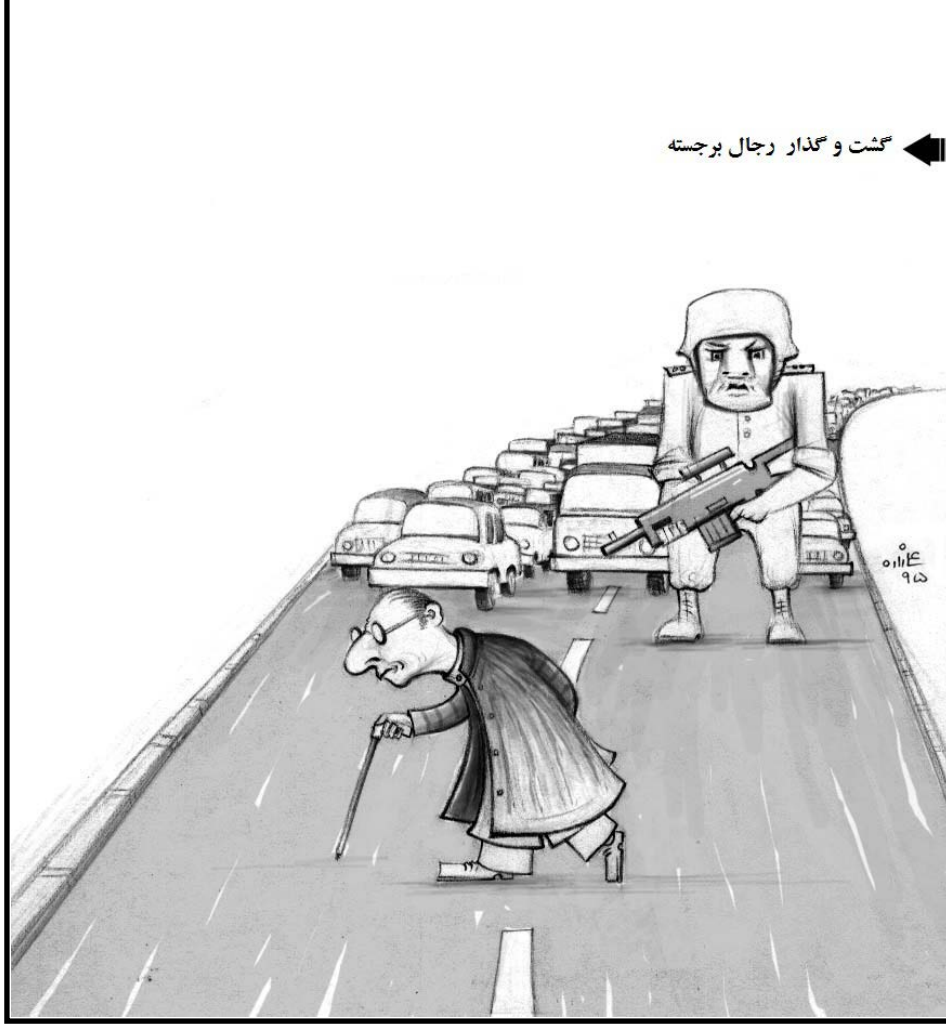
به عقیده ی او انسان‌ها به طور مستمر و فعال به جهان مادی در ارتباط هستند و تلاش برای تسلط بر طبیعت به شیوه های گوناگون سبب بوجود آمدن نظام های پیچیده تر تولیدی و گسترش نیروهای تولیدی می شود. به نظر مارکس دگرگونی اجتماعی فقط به عنوان یک جریان کند پیشرفت اتفاق نمی افتد، بلکه به شکل انقلاب رخ می دهد. تغییرات در نیروهای تولیدی در اثر این انقلابات دگرگون ساز، تنشهایی را در نهادهای دیگر روساختی

پارسونز با بیان سطوح مختلف جوامع اعم از جوامع ابتدایی، میانی و جوامع صنعتی، نظام های موجود آنها را از یکدیگر جدا و با هم مقایسه می کند. او معتقد است که جوامع ابتدایی اغلب درگیر اختلافات قومی و طبقاتی هستند و نظام تولیدی آنها مبتنی بر تولید کشاورزی یا شبنای است و جوامع میانی نیز که بیشتر نویسندگان آنها را دولت های سنتی Traditional States نام نهاده اند (مانند مصر باستان، رم و چین) با پیدایش خط و سواد و ایجاد ارتباطات نسبت به جوامع ابتدایی، روابط سیاسی، اقتصادی و خانوادگی دچار دگرگونی می گردند. رهبری سیاسی به شکل تقسیمات حکومت توسعه می یابد. در این دوره سازمان دیوان سالارانه

راه ابریشم در دو جهت (اقتصادی و فرهنگی) برای مردم منطقه حایز اهمیت بوده و هست. ازبکستان تحت ریاست جمهوری اسلام کریم اف، هم از نظر روابط اقتصادی - که می تواند احیاگر راه ابریشم باشد - و هم از نگاه روابط فرهنگی، روابط مستحکم افغانستان داشته است. به باور کارشناسان بیش از هفتاد درصد مواد سوختی مورد نیاز افغانستان از ازبکستان تأمین می شود. در عین حال با افتتاح پل دوستی که بر فراز دریای آمو ساخته شده، دو کشور افغانستان و پاکستان ره به هم وصل کرده است، فصل نوینی در روابط اقتصادی دو کشور و افغانستان به کشورهای آسیای میانه باز شده است.

در پایان باید گفت که راهی را که اسلام کریموف به عنوان رئیس جمهوری ازبکستان در قبال افغانستان پیموده است، آشکار و روشن است. صلح، دوستی، احترام متقابل، همکاری های وسیع فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و تلاش برای پیروزی بر مشکلاتی که در راه است. مردم افغانستان آرزو دارند که این راه پس از او نیز با قاطعیت ادامه یابد.

کارتون روز



افغانستان ما The Daily Afghanistan Ma
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷